

## قلب ما با قلب هفت تپه ای ها می تپد

اطلاعیه حزب حکمتیست - خط رسمی صفحه ۳

حکمتیست  
هفتگی  
۲۳۴

۱۹ نوامبر ۲۰۱۸ - ۲۸ آبان ۱۳۹۷  
دوشنبه ها منتشر میشود

# تحریم ها، سیاست حزب، اپوزیسیون راست و مردم در ایران

از حکمتیست میپرسند:



هر سیاست ارتجاعی است. امروز دیگر هیچ نیرویی، حتی ترامپ و پرو تحریمی ها، منکر تاثیرات مخرب تحریمها بر زندگی مردم، بر گرانی، بالا رفتن تورم و بیکاری، نمیشود. فاجعه ای که آنرا در بسته بندی شیک "فلج کردن اقتصاد جمهوری اسلامی" می پیچند. در متن این اوضاع ادعای "آمان" استفاده مردم از فرصت برای خلاصی از شر جمهوری اسلامی" نه فقط بوجه که شیدانه است. مردمی که حتی بدون تحریمها هم کمربان زیر فشار اقتصادی خرد شده و هر روز سفره شان خالی و خالی تر میشود، جامعه ای که درصد بالایی از جوانانش بیکاراند، جامعه ای که افق بهبود اقتصادی و سیاسی را زیر حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی در چشم انداز ندارد، چطور ممکن است با فقر، گرانی و بیکاری بیشتر، برای یک آینده بهتر به میدان بیاید؟ ... صفحه ۲

ربطی به محدود کردن دامنه تروریسم در منطقه ندارد چرا که خود دول غربی و سایر دول ارتجاعی منطقه منجمله عربستان و اسرائیل در کنار جمهوری اسلامی و انواع باندهای مسلح قومی و مذهبی دستازشان از عاملین ناامنی در منطقه و گسترش تروریسم اند. در نتیجه محدود کردن جمهوری اسلامی در منطقه برای تغییر توازن قوا میان قدرتهای ارتجاعی در منطقه است نه مقابله با تروریسم!

اما ظاهرا نقش ایران بعنوان یکی از عاملین گسترش تروریسم و ناامنی در منطقه، برای اپوزیسیون راست پرو تحریم، مجوزی است تا پشت سپر "دفاع از امنیت منطقه و مقابله با تروریسم" مخفی شده تا اولاً سکوت و همراهی خود با سیاست قلدنمنشانه و ارتجاعی ترامپ در مجازات دستجمعی مردم ایران، به بهانه مقابله با تروریسم، را توجیه کنند و ثانیاً سناریوی خود برای به تباهی کشیدن آینده مردم را پیش ببرند. ظاهراً ضدیت با جمهوری اسلامی برگ مشروعیت حمایت این نیروها از

حکمتیست: دور دوم تحریم های اقتصادی آمریکا با عکس العمل متفاوت نیروهای سیاسی اپوزیسیون روبرو شده است. اپوزیسیون پرو تحریم ضمن حمایت مستقیم یا غیرمستقیم، از تحریمها بعنوان "ابزار محدود کردن ایران در دامن زدن به تروریسم و ناامنی در منطقه"، آنرا فرصتی برای مردم میدانند و ادعا میکنند مردم میتوانند از شکاف در صف ارتجاع برای خلاصی از شر جمهوری اسلامی استفاده کنند.

آذر مدرسی: اجازه بدهید ابتدا از این ادعا که گویا تحریمها برای محدود کردن دامنه تروریسم و ناامنی در منطقه است، نکاتی را توضیح بدهم. ما قبلاً در مورد دلایل واقعی این تحریمها چه در رابطه با جمهوری اسلامی و چه بخصوص در رابطه با معضلات آمریکا و رقیابش، اروپا، روسیه و چین، توضیح داده ایم. یکی از دلایل تحریمهای دور دوم محدود کردن نفوذ ایران در منطقه در مقابل متحدین آمریکا، که در ارتجاعی و تروریستی بودنشان دست کمی از جمهوری اسلامی ندارند، است. اما این

## "حزب رستاخیز" فیروزه ای

### "کوه موش زاید!"

ثریا شهبابی

از میان خبرها بخوانید که:

"نشست شاهزاده رضا پهلوی و گروهی از اعضای فرشگرد؛ واشنگتن ۲۷ اکتبر ۲۰۱۸ - این جلسه چهار روز پس از انتشار بیانیه فرشگرد و آغاز کارزار "میدان-میلونی" با هدف گسترش آگاهی در جامعه و وارد کردن "ضربه نهایی" به جمهوری اسلامی برگزار شد. همزمان حکومت دینی ایران در آستانه اجرای مرحله دوم تحریمهای آمریکا قرار دارد که از روز چهارم نوامبر رسماً آغاز خواهد شد و رهبران تهران در شدیدترین فشارهای سیاسی داخلی و بین المللی قرار دارند. پیش از برگزاری جلسه خصوصی با گروهی از فرشگردیها، شاهزاده رضا پهلوی در جمع گروهی از ایرانیان ساکن واشنگتن سخنرانی کرد. در این سخنرانی نیز به مسائل روز از جمله وضعیت سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی و مسائل مربوط به ایران پرداخته شد. حامد شبیانی راد از اعضای فرشگرد درباره گفتگو با رضا پهلوی به کیهان لندن میگوید: "در این جلسه اعضا گزارشهایی از برنامهها، عملکرد و بازتاب آغاز مرحله اول کارزار میدان میلیونی به حاضران ارائه دادند و شاهزاده رضا پهلوی پرسشهایی را با حاضرین مطرح کرد. در واقع این جلسه که حدود سه ساعت طول کشید ادامه جلسات قبلی و بررسی برنامههای مختلف بود با این تفاوت که فرصت شد تعداد بیشتری از اعضای فرشگرد دور هم جمع شوند و نظرات بیشتری درباره شرایط داخلی ایران و وضعیت مردم رد و بدل شود." این فعال سیاسی در ادامه عنوان کرد: "شاهزاده رضا پهلوی عضو فرشگرد نیستند اما فرشگرد در مورد استراتژیهای کلان از رهنمودهای ایشان استفاده میکند." ... صفحه ۴

آزادی  
برابری  
حکومت کارگری

## تحریم ها...

برعکس این وضعیت امکان تحمیل فشار بیشتر به مردم به بهانه تحریمها را از طرف جمهوری اسلامی بیشتر میکند و مستمسکی میکند تا مردمی که برای رفاه و آزادی به میدان آمده اند را روانه خانه کند. برعکس، تحریمها نه فقط فرصتی برای مبارزه طبقه کارگر و اقشار فرودست برای رهایی نیست که آنها را در تنگنا قرار میدهد. تحریم مردم در عراق و تحمیل فقر و فلاکت بیسابقه به آنها، شرایط را برای مبارزه آنها علیه دولت صدام بهتر نکرد، برعکس مردم را تا حد تلاش برای زنده ماندن به هر قیمت عقب راند. این نتیجه طبیعی تحریم اقتصادی است.

هیچوقت فقر و فلاکت، بی افقی اقتصادی و سیاسی در جامعه مایه تغییر مثبت یا انقلابی به نفع مردم نشده است، برعکس اینها زمینه ساز به نابودی کشاندن جامعه و تن دادن به هر آلترناتیو ارتجاعی اند.

این آن استفاده واقعی است که نیروهای راست میخواهند از این "فرصت تاریخی" بکنند. ناسیونالیستهای ایرانی تلاش میکنند از تحریمها بعنوان عاملی برای "ایجاد شرایط برای انتخابات آزاد"، اسم رمز انقلاب مخملی، استفاده کنند. سایر نیروهای قومی تحریمها را فرصت مناسبی برای سهم خواهی دانسته و لایسم خود را در بارگاه شیوخ عربستان و ترامپ تشدید کرده اند. در نتیجه بحث بر سر استفاده مردم از تضعیف دشمن، جمهوری اسلامی، نیست، بحث بر سر استفاده نیروهای راست برای قانع کردن آمریکا به رژیم چینج

## و انقلاب مخملی یا امتیاز گیری

از جمهوری اسلامی است. نیروهای که تا دیروز طرفدار حمله نظامی آمریکا به ایران بودند، امروز با طرح دو قطبی کاذب حمله نظامی یا تحریمها، از تحریمها بعنوان اهرم کم ضرر تر برای مردم دفاع میکنند. میگویند "نه گفتن به تحریم، یعنی تشدید گزینه نظامی و جنگ که در چنین حالتی میتواند آثار بسیار مرگبار و ویرانگری نسبت به تحریمها داشته باشد".

این کلاه گشادی است که میخواهند سر مردم ایران بگذارند، تا سیاست ارتجاعی خودشان را که حمایت از مخرب ترین راه های تقابل سیاسی است، یعنی تحریم و به گرسنگی کشاندن میلیون ها نفر در یک کشور به بهانه تنبیه حکومت مرتجع بالای سرشان، پنهان کنند. گزینه نظامی علیه ایران روی میز نیست! اگر هم بود انتخاب مردم در ایران "ترجیح" دادن و "انتخاب" مرگ بر اثر گرسنگی و بیماری و فقر بر مرگ در جنگ و زیر بمباران، نیست. این طیف پروناتویسی، میخواهند استیصال و گرفتاری خودشان در چنگال انتخاب های ناتو، را بعنوان انتخاب احسن جامعه ایران قلب کنند. بر این آیا چیزی جز شیدایی سیاسی میتوان نام گذاشت!؟

در دنیای واقعی پرو تحریمی ها بیخود برای تحریمها کیسه دوخته اند. چرا که اولاً هیئت حاکمه آمریکا و ترامپ، قهرمان رو به افول این طیف، اعلام کرده اند که رژیم چینجی در کار نیست چه برسد به حمله نظامی. آنها هم بعد از تجربه افغانستان، عراق، لیبی و سوریه! رسماً اعلام کرده اند تحریمها برای به مذاکره کشاندن

جمهوری اسلامی است. این حمایتها با هر بسته بندی شیکی که "طرفداران پادشاهی" یا "انتخابات آزاد"، به نام "دفاع از حق ملت کرد، عرب، ترک" آنرا عرضه کنند تهوع آور و شنیع است و باید در کنار حمایتهای قبلی شان از دخالت نظامی آمریکا، در کنار تلاش برای کشیدن جنگ نیابتی به ایران، در پرونده این جریانات ثبت شود.

حکمتیست: در اطلاعیه اخیر حزب در مورد دور دوم تحریمها آمده است که: "از نقطه نظر مردم ایران، مقابله با عواقب مرگبار این تحریم ها و جلوگیری از خراب شدن بار و فشار آن بر دوش دهها میلیون خانواده های محروم، بر دوش طبقه کارگر، بر دوش جوانان بیکار و بی آینده و بی افق، بردوش مردم محروم، و مقابله با دستگاه پلیسی، اصلی ترین محور جنگ آنها علیه تحریم است". همینطور برای اجرای این سیاست توصیه متشکل و متحد شدن کرده اید. مردم، محرومین و محکومین چگونه می توانند طبق این سیاست در این رویداد مخرب، در جهت منافع خود دخالت فعال داشته باشند.

آذر مدرسی: جنبش علیه فلاکت، علیه خراب شدن بار تحریمها بر سر مردم مدتها است به راه افتاده است. جنبشی که در قامت اعتراض امروز کارگران هفت تپه، فولاد، پتروشیمی ها، معلمان و ... عرض اندام میکند. این جنبش جواب طبقه کارگر و اقشار پائین جامعه هم به جمهوری اسلامی که تحریمها را عامل همه فشارهای اقتصادی و فقر و

فلاکت تحمیل شده به مردم معرفی میکند و هم به اپوزیسیون پرو تحریمی که به تحریمها و باز شدن دریچه "انقلاب مخملی" خود دل بسته است. کارگران، معلمان در این اعتراضات اعلام کردند که علیه فقر و بی عدالتی بنیادی در جامعه به میدان آمده اند و امیدوی به قدرتهای ارتجاعی از عربستان تا آمریکا و نیروهای طرفدارشان نبسته اند. آمده اند تا با قدرت خودشان از پائین به این وضعیت جهانی پایان بدهند.

این جنبش و این اعتراض که امروز قد علم کرده است باید هرچه سریعتر و در ابعاد بسیار وسیعتری متحد و متشکل شود. اتحادی که شروع آنرا در دفاع بخشهای مختلف کارگری، معلمان و دانشجویان از مبارزات همدیگر مبینیم. این شاید شعف انگیز ترین مولفه در اوضاع امروز در ایران است اما باید این حمایتها را دائمی، سازمان یافته و نقشه مند کرد.

باید آنرا به همه مراکز کارگری، کشاند. رهبران کارگری، کمونیستها و سوسیالیستها باید منشا این متحد کردن در همه اشکال و ظرفیتهای آن باشند. امروز نه فقط اتحاد کمونیستها و رهبران عملی این مبارزات بلکه همزمان ایجاد شوراهای مستقل مردمی بعنوان بهترین راه متشکل کردن کارگر، معلم، دانشجوی و ... ضرورت صد برابری پیدا کرده است. مبارزه در جریان فقط با این درجه از اتحاد و تشکل میتواند در مقابل تعرض جمهوری اسلامی مقاومت کند و پیش برود. قدرت متحد و متشکل مردم پاشنه آشیل جمهوری اسلامی و برگ برنده مردم است. باید محلات کارگری و محروم را با

اتکا به شوراهای خود به تحرک در آورد و به این اعتراضات ملحق کرد. باید معلوم باشد اعتراض مردم به کم آبی، به نبود بهداشت در محله به اعتراض کارگر فولاد و هفت تپه و هیکو و اعتراض معلم به فقر و بیعدالتی در محیط های آموزشی، به اعتراض دانشجویان مربوط است. ابتکارات زیادی هست که میتوان به خرج داد. از ایجاد صندوقهای همبستگی با کارگران اعتصابی تا ممانعت از دستگیری فعالین کارگری که برای احقاق حقوق کارگران پیش آمده اند، تا ناامن کردن محله و شهر برای اوباش و نیروهای سرکوبگر رژیم.

این تنها راه مقابله با خراب شدن بار تحریمهای اقتصادی روی دوش مردم است. این تنها راه ادامه بقا و یک زندگی انسانی و سعادت مند است. راه طولانی و پرشتاب و امید بخشی بر روی مردم ایران باز شده است. و این را طبقه کارگر با مبارزات متحدانه اش باز کرده است. راهی که همه بخش های مختلف مردم معترض در سراسر ایران باید به آن قدم بگذارند، به آن بیبوندند، همراه آن شوند، به اشکال مختلف سازمان یابند و شبکه به هم پیوسته ای از اعتراضات متحد و متشکل و سازمان یافته را شکل دهند. در چنین سناریویی، این نیرو آن قدرتی خواهد بود که تغییر ایجاد میکند و بی تردید ایران بعد از جمهوری اسلامی را به طرف یک جامعه امن، آزاد و متمدن، برابر و مرفه، عبور خواهد داد.

حزب ما خود را بخشی از این تلاش میدانند. حزبی که از همگان میخواهد برای تضمین پیروزی به آن بیبوندند.

مرک بر جمهوری اسلامی زنده باد سوسیالیسم

## قلب ما با قلب هفت تپه ای ها می تپد

امروز یکشنبه ۲۷ آبان، در چهاردهمین روز اعتصاب و ششمین روز تجمع کارگران هفت تپه در مقابل فرمانداری شوش، یگانهای ویژه ضد شورش که از دیروز برای سرکوب اعتراض کارگران وارد شوش شده بودند، محوطه هفت تپه را محاصره و مانع خروج کارگران و پیوستن آنها به رفقا و خانواده هایشان و مردم حامی آنها در جلو فرمانداری شدند و دو نفر از نمایندگان کارگران هفت تپه، اسماعیل بخشی و مسلم آرمند و یک خبرنگار را دستگیر کردند. چهارده روز گذشته طبقه کارگر ایران و محرومان جامعه، هفت تپه و مبارزه و تلاش آنها را تعقیب کردند و موفقیت خود را در پیروزی آنها به تصویر کشیدند. در این مدت با همه سد سانسور رسانه های جمهوری اسلامی

و رسانه های رسمی جهان، صدای حق طلبی کارگران هفت تپه و خانواده هایشان، به گوش دهها میلیون نفر از هم طبقه ای های آنها و صف وسیعی از مردم آزادیخواه ایران رسید. میلیونها کارگر و انسان عدالتخواه در جامعه ایران هر لحظه و هر ساعت اعتراض و تجمعات و سخنرانی نمایندگان کارگران هفت تپه را تعقیب کرده و برای پیروزی کارگران هفت تپه لحظه شماری کردند. اما امروز با تعرض گارد ضد شورش به کارگران و دستگیری دو تن از نمایندگان کارگران هفت تپه، اسماعیل بخشی و محسن آرمند، جدال کارگران هفت تپه وارد فاز دیگری شده است. این تلاشی برای فلج کردن، ترساندن و به شکست کشاندن کارگران هفت تپه است. بدون تردید

در هر مرکز کارگری، در مدارس و محلات دست به اقدامی عملی و حمایتی از کارگران هفت تپه و برای آزادی نمایندگان آنها زد. امروز کارگران هفت تپه باید ببینند که صف وسیعی از هم طبقه ای های خود و مردم آزادیخواه در کنار آن آنها هستند. باید آنها را به اشکال مختلف از اعلام حمایت علنی، و... تا سازمان دادن صندوقهای مالی برای تامین زندگی کارگران اعتصابی و خانواده های آنها و ... را سازمان داد. تا کنون مردم شرافتمند شوش و جمعی از کارگران و اقشار مختلف مردم در این منطقه، همراه با کارگران فولاد اهواز، صمیمانه از کارگران اعتصابی حمایت کرده اند. اما امروز و با تعرض نیروهای ضد شورش به کارگران و دستگیری نمایندگان آنها، باید دامنه حمایت از کارگران و خانواده های آنها را به شهرها و

مناطق دیگر کشاند. حاکمیت باید بداند که هر نوع دست درازی به کارگران، نمایندگان و خانواده های آنها در هفت تپه، با اعتراض صف وسیع و همبسته طبقه کارگر و مردم آزادیخواه در سراسر ایران جواب میگیرد. خواست آزادی دستگیر شدگان نه تنها در هفت تپه و شوش بلکه و بعلاوه باید در همه جا در اس مطالبات کارگران و مردم آزادیخواه قرار بگیرد. کارگران هفت تپه تا کنون هر چه از توانشان بر آمده است، برای احقاق حقوق خود انجام داده اند و امروز به حمایت عملی و سازمانیافته هم طبقه ای های خود و مردم آزادیخواه در سراسر ایران نیاز دارند. کارگران هفت تپه و خانواده های آنها لایق وسیعترین حمایتها هستند.

حزب کمونیست کارگری -  
حکمتیست(خط رسمی)  
۲۷ آبان ۱۳۹۷  
۱۸ نوامبر ۲۰۱۸

### کارگران کمونیست! رفقا!

بی تردید تنها طبقه کارگر و کمونیسم اش می تواند اعلام و تضمین کند که خیزش انقلابی عظیمی که در جریان است، فقط برچیدن جمهوری اسلامی را در دستور ندارد، بلکه این خیزش و قیام و انقلاب آتی، تا در هم کوبیدن قطعی حکومت سرمایه و نظام سرمایه داری در ایران، ادامه خواهد داشت.

حذف این رژیم، و خلاصی از جمهوری اسلامی، اولین گام پیروزی و برداشتن مانعی بزرگ بر سر راه مبارزه ضد سرمایه داری و برای آزادی و برابری و حکومت کارگری است.

طبقه کارگر آگاه و کمونیسم اش، باید در صف مقدم و در رهبری و هدایت همه محرومان برای سرنوینی جمهوری اسلامی و تحقق رهایی و خوشبختی قرار گیرد.

ما همه کارگران کمونیست را به پیوستن به حزب کمونیستی خود، حزب حکمتیست (خط رسمی) فرا میخوانیم.

**شریعتک**

**حزب حکمتیست (خراسم)**

[www.hekmatist.com](http://www.hekmatist.com)

سر دبیر: فواد عبداللهی

[fuaduk@gmail.com](mailto:fuaduk@gmail.com)

تلگرام حزب

[@HekmatistXateRasmi](https://t.me/HekmatistXateRasmi)

**تلاش با حزب**

دبیرخانه حزب

[hekmatistparty@gmail.com](mailto:hekmatistparty@gmail.com)

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

[azar.moda@gmail.com](mailto:azar.moda@gmail.com)

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

[aman.kafa@gmail.com](mailto:aman.kafa@gmail.com)

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

[mozafar.mohamadi@gmail.com](mailto:mozafar.mohamadi@gmail.com)



انقلاب، موجب تمسخر همگانی است تا موجب احترام! سرمایه گذاری طیفی در اپوزیسیون راست، بر احساس "نوستالژیک" جوان محروم ایرانی نسبت به حداقل ظاهر معمولی و غیراسلامی که در ایران قبل از انقلاب وجود داشت، و ادعای ساختن عمارت یک "جنبش" بر پایه های آن، "جنبشی" که مردم در دل آن برای احیا آن گذشته به حرکت درآیند، از نظر همه، از ترامپ تا خود آقای پهلوی به روشنی پوچ و مسخره است. این داعیه ها، رونمای عمارت "رژیم چینج" و "انقلاب مخملی" ناتواست که نظام را از جمهوری اسلامی تحویل بگیرند و بدست "نخبگان" منتظر به قدرت رسیده "فرشگرد" که به زور تحریم و اسلحه ترامپ زیست می کنند، تحویل دهد. این ها باید "دعا" کنند که جمهوری اسلامی، قبل از سرنگونی، طبقه کارگر بپاخاسته در ایران را که منافع اش را می شناسد و دنیایی را متوجه خود و اهداف خود کرده است، خاموش کند تا آنها بتوانند نظام را تحویل بگیرند!

این پروژه، "انقلاب مخملی" حزب آقای پهلوی، به دو دلیل پرونده اش بسته شد.

جنبش اش، اولین قربانی آن بود. "کوه موش زاید! صاعقه همه داعیه های ترفیخواهی و "بی طرفی" آقای پهلوی را یک شبه برباد داد! موج، بسرعت ایشان را صاحب "حزب" واقعی اش، یعنی "فرشگرد"، این "رستاخیز" فیروزه ای" کرد. و به این ترتیب غنچه نشکفته حکومت ایشان، باز نشده پرپر شد. اگر رستاخیز پدر تراژدی بود، رستاخیز پسر نسخه کمدی حزب "پدرتاجدار" است! حزبی که همچنان ضدیت با سوسیالیسم و کمونیسم، دشمنی با آرمانهای طبقه کارگر و مردم محروم، و تخصص با هرگونه داعیه عدالت اجتماعی و برابری، اول و آخر فلسفه وجودی اش را می سازد. در ایران هرگز، نه در گذشته پیش از انقلاب ۵۷ و نه پس از آن، جنبشی از پائین برای "پادشاهی" یا "احیا پادشاهی"، وجود نداشته است. پادشاه و پادشاهان، نه با تحریکات مردمی، که با توطئه و دیسیسته و قتل و کشتار خویشاوندان و کودتا و دخالت قدرت های خارجی، به قدرت رسیده و از قدرت ساقط شده اند. این بخصوص پس از انقلاب ۵۷ که در آن نه این شاه و آن شاهزاده و سلسله و خاندان، که کل نظام پادشاهی با همه نهادهای روبنای حکومتی اش، با یک تعرض انقلابی و مردمی از پایین به زیر کشیده شد، بیش از پیش صادق است. امروز عنوان "شاه" همچون عنوان "آخوند" در مقطع قبل از

حزب رستاخیز ...

"هگل در جایی اظهار میکند که تمام وقایع بزرگ و شخصیت های جهان تاریخی دوبار ظاهر می شوند. او فراموش می کند اضافه کند که: بار اول بصورت تراژدی، بار دوم بصورت نمایش کمدی". نقل از کارل مارکس در "هیجدهم بروم"

اظهار بالا و این ضرب المثل هم که میگوید: "کوه لرزید و غرید و یک موش زاید"، به رویدادی که خبرش را خواندید، مربوط است.

این هردو، وصف حال و آینده آقای رضا پهلوی است. کسی که چهار دهه با داعیه های طرفداری از "دمکراسی" و "آزادی عقیده و بیان" برای همگان (راست و چپ و مذهبی و بی خدایان و ..) و اعلام بی طرفی، تلاش کرده است که "بعنوان نماد همبستگی ملی" ظاهر شوند. کسی که توانست با این داعیه ها، به درجه ای اعتماد بخشی از جامعه اپوزیسیون روشنفکر و ترفیخواه ایران در خارج از کشور را به خود و پرچم سیاسی و اهداف اش، جلب کند.

ما حق داشتیم بگوییم پای عمل و پلاتفرم های عملی مشخص که پیش بیاید، راست ایران، نسخه بهتری از محمد رضا پهلوی ندارد. عروج و افول صاعقه گونه ترامپ و ترامپیسیم در دنیای سیاست سوپرراست جهانی، موجی شد که آقای پهلوی و

باطل خوردی هم برپیشانی آقای پهلوی زد. برای پیشینه این روند مراجعه کنید به مطلب: وقتی "کرمینه ها" پروانه میشوند! در "جدال با سوسیالیسم در ایران" (قسمت دوم)

<http://hekmatist.com/2018/Hekmatist-227-Soraya.html>

یکی تحرک عظیم مردمی و کارگری که هرروز گسترش می یابد و دیگری افول ستاره اقبال شان در آمریکا، یعنی افول موقعیت پرزیدنت ترامپ! این دو رکن، یکی تحرک طبقه کارگر در میدان زورآزمایی با نظام سرمایه و نمایندگان آموزش در قدرت، و دیگری پایان ترامپیسیم در آمریکا، علاوه بر پایان دادن به ارزش مصرف شخص رئیس جمهور آمریکا، مهر

**نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی!**